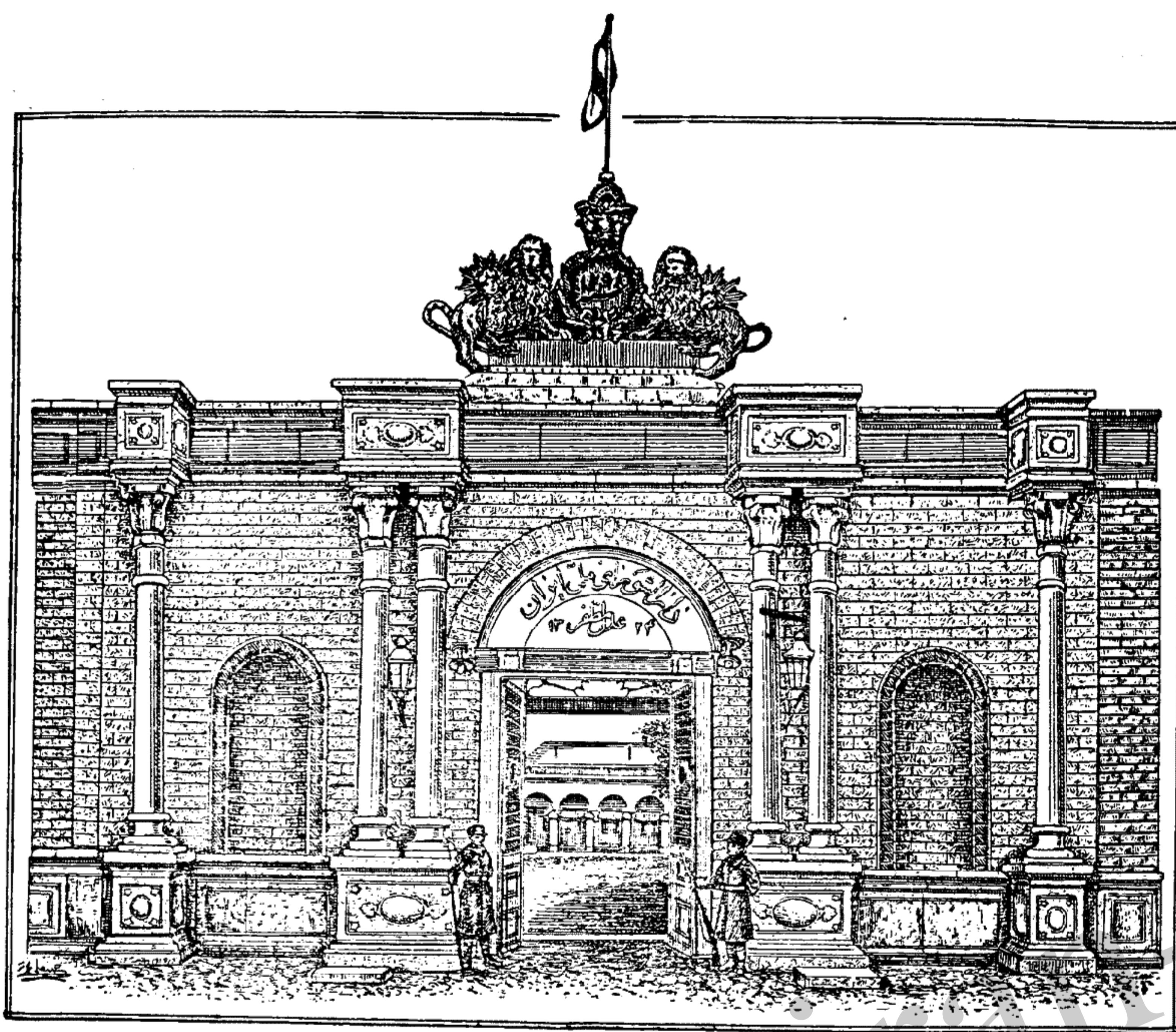


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۱۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود یس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۵

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس بکتابخانه بیست و ششم شهریور را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

(غائبین با اجازه جلسه قبل)
آقایان: دکتر سنگ - عراقی - امام جمعه شیراز
خطیبی - میرزا رضا خان افشار - سید ابراهیم ضیاء
آقای علی زارع - آقای رضا مهدوی - عباس میرزا -

عبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان زعیم - روحی	۲۲۷۵	۲۲۷۶
۲	تقدیم طرح قانونی راجع به اضافه تبصره به قانون منع صدور تذکره برای مسافرت بعراق عرب و ارجاع آن به کمیسیون داخله	۲۲۷۶	۲۲۸۱
۳	تصویب قانون راجع با اجازه نامه طبابت	۲۲۸۱	۲۲۸۵
۴	بقیه شور ثانی راجع بقانون بلدی از ماده ۱۰ تا ۱۵	۲۲۸۵	۲۲۹۴
۵	قانون راجع با اجازه نامه طبابت	۲۲۹۵	

غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - میرزا حسین خان وزیری - طباطبائی وکیل - ثقة الاسلامی - اسکندری عدل - جوانشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی - ملک آرائی حاج شیخ عبد الرحمن - آیت الله زاده اصفهانی - دکتر لقمان -

(غائبین بن اجازه جلسه قبل)

حاج آقارضا رفیع - محمد ولی خان اسدی - علی خان اعظمی - نظام مافی - یاسائی - حشمتی - قوام شیرازی - محمد هاشم میرزا افسر - آقا زاده سبزواری حاج حسن آقا ملک - محمد ولی میرزا - فرشی - حاج میرزا مرتضی - حاج غلامحسین ملک - زعیم - امیر اسد الله خان عامری

(در آمدگان با اجازه جلسه قبل)

آقایان : نو بخت - مرتضی قلیخان بیات - سلطان ابراهیم خان انجمنی

(در آمده گان بن اجازه جلسه قبل)

آقایان : سهراب خان - جلالی - امیر حسین خان ایلخان - دشتی - میرزا محمد تقی بهار - میرزا حسن خان وثوق .

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

رئیس - خبر کمیسیون عرایض راجع به مرخصی آقای زعیم قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای زعیم از پاریس بواسطه شدت کمالت خود از تاریخ بیستم امرداد دو ماه دیگر تقاضای تمدید مرخصی نموده و ضمناً تصدیق یکی از مریضخانهای مهم پاریس را فرستاده اند : چون تصدیق مزبور برای نماینده محترم مزبور عذر موجه بوده لهذا کمیسیون مرخصی دو ماهه ایشانرا تصویب و رایبورت آنرا تقدیم میباید .

نظر ایشان تأمین نمیشود . بالاخره ایشان این ده روزرا مامشات کنند تا بعد .

رئیس - رأی گرفته میشود به مرخصی ده روزه آقای روحی . آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (اغلب بر خاستند)

رئیس - تصویب شد . چند روز قبل خبر کمیسیون مرخصی راجع به رد تقاضای مرخصی ده روزه آقای مولوی رد شد ولی تکلیف آن تقاضا معلوم نشد حالا باید يك رأی دیگر گرفته شود . آقای دیبا

طباطبائی دیبا - سابقه مطلب این است همینکه خبر کمیسیون رد شد اجازه ثبت است و عمل سابق اینطور بوده است .

رئیس - گمان میکنم این سابقه خوب نباشد . يك دفعه دیگر رأی میگیریم آقایانیکه مرخصی ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . آقای بهبهانی

بهبهانی - در ضمن تصویب قانون اعتبار ده هزار تومان برای دست گیری اتباع ایران که در بین النهرین متوقف هستند یعنی برای توزیع تذکره و راهنمایی بآنها اینجا يك تبصره تصویب شد . تبصره که اینجا تصویب شد البته از روی احساسات آقایان نمایندگان راجع به حفظ تبعه ایران و حفظ آسایش آنهاست که در بین النهرین هستند خیلی بموقع و بجا بود ولی متأسفانه این تبصره هیچ استثناء ندارد اصل تبصره این است : مادام که مناسبات ما بین ایران و عراق روشن و ایرانیه در آنجا همه گونه مرفه نشده اند تذکره برای رفتن به عراق عرب به احدی داده نخواهد شد . این لفظ احدی شامل حال همه گونه اشخاص خواهد شد حتی همین اشخاصیکه

دولت میخواهد برای رفاهیت حال آنها بفرستد . علاوه بر این بنده تصور میکنم آقایان برای حفظ آسایش و ترفیه

حال آنها این تبصره را تصویب کردند در حالتیکه این تبصره تصویبش به حال يك عده دیگر مضر است و آسایش آنها را سلب میکند . يك عده دیگری از اتباع ایران هستند که در بین النهرین متوطن هستند و الان که این تبصره تصویب شده آنها برای زیارت و غیره به ایران آمده و فعلاً در ایران متوقف هستند و این اشخاص باید به محل اقامت خودشان برگردند و اگر بخواهیم از آنها جلوگیری کنیم که نروند به عراق عائله شان را چه نکنند؟ بخواهند بیاورند اینجا استعدادش را ندارند . در هر حال يك عده مرده بیچاره که در بین النهرین و عراق توطن اختیار کرده اند الان بلاتکلیف در ایران مانده اند و بموجب تبصره که تصویب شده به آنها تذکره داده نمیشود . علاوه يك عده در سرحدات از قبیل خوزستان و بنادر میباشند که اهل معامله هستند و اغلب مرادده نجارانی با آنها دارند و اگر مرادده آنها برای اهالی بین النهرین نافع باشد برای اهالی ایران هم نافع است و نمیشود جلو تجارت آنها را گرفت . ولی تبصره میگوید به احدی تذکره داده نخواهد شد . پس اگر بکنفر از بوشهر به از خوزستان برای امر تجارتی خواست برود به بین النهرین این تبصره جلوگیری میکند . چنانچه الان هم معمول است و آقایانیکه از اهل آنجا هستند میدانند مردم صبح از خوزستان میروند به بصره و عصر بر می گردند و جلوی آنها را نمیشود گرفت و این تبصره به نحویکه نوشته شده جلو آنها را میگیرد و به هیچ يك از آنها باید اجازه داده نشود لهذا بنده و جمعی از آقایان تبصره پیشنهاد کرده ایم و ضمناً تقاضا کرده ایم به قید دو فوریت امروز در مجلس مطرح شود و شما میکم قبل از دستور مطرح شود .

رئیس - باید رأی گرفته شود که این مسئله جزء

دستور بشود یا نه؟ آقای دادگر

بهبهان - تبصره قرائت شود. بعد اگر آقایان اظهاری دارند بفرمایند.

(تبصره مزبور به شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ثانی - مدلول تبصره فوق شامل اشخاصیکه ساها در بین النهرین متوطن و موقتاً به ایران مسافرت نموده اند و اشخاصی که فقط برای عبور از بین النهرین به نقاط دیگر مسافرت می نمایند و سکنه نقطه سرحدی که برای کسب و حوائج شخصی به نقاط نزدیک سرحدی بین النهرین ایاب و ذهاب می نمایند و همچنین شامل مأمورین دولتی نخواهد بود. بهبهان - بروجردی - موقر - مدرس ...

رئیس - قبلاً باید معلوم شود که این مسئله جزء دستور بشود یا نه ؟

دادگر - بنده گمان کردم فوریت مطرح است ولی اینجا که آمد تذکر داده شد که مذاکره راجع به این است که در دستور گذارده شود یا نه ؟ ولی چون با فکر قبلم ملائمت است میتوانم عرض کنم که با خود مطلب مخالفم با فوریتش هم حتماً مخالفم. برای اینکه اینگونه مطالب بایستی بیشتر درش بحث شود. اما اینکه داخل دستور باشد یا نه. این را مانجریه داریم قضایائی که بهم ارتباط دارد هر قدر از وسط پاره شود اعاده به ما قبلش يك گرهی تولید میکند. بنده دو چیز است که متذکر هستم و کراراً میخواستم عرض کنم حالا عرض میکنم اولاً دستوری که مطرح میشود شخص در آن باب فکر میکند مطالعه میکنند و مهیا میشود که در آن خصوص بحث کند وقتی که این دستور تغییر میکند بری امر جدید مهیا نیست و آن امر قدیم را که در آن ورزش کرده باید ترك کند و باید در يك امر غیر مترقی وارد شود که هیچ مهیا نیست. آن چیزیکه مطرح است قطع کردن و يك چیزی را در خلال آن گذراندن ضرر دارد. بعلاوه همیشه مردمان مصمم باید در تصمیمشان فترت پیدا نشود. وغالباً وقتی قضا با لون لون و متنوع میشود تضعیف میکند اراده را. موضوع بلديه مطرح بود همه آقایان

هم در این باب تعلق دارند زیرا قضیه قضیه ملی است و در عداد انتخابات مجلس شورای ملی است این قضیه مطرح است در این بین ها این مسئله را ترك کردن و يك قضیه نوی را مطرح کردن در هر دو ضرر میبریم زیرا در این قضیه غیر مترقبه که درش بحث نکرده ایم و فعلاً بنظر بنده می آید که قابل قبول نیست پس از مطالعه و بحث شاید صلاح باشد که قبول کنیم ولی فکر بدوی بنده این است که خوب نیست. و برای تأیید نظر آقای بهبهان که فکرشان قابل قبول باشد به ما زمان بدهند که در این قضیه بحث کنیم و شاید در جلسه بعد برای این قانون بیشتر مهیا باشیم.

رئیس - آقای شیروانی مخالفید ؟

شیروانی - بلی.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اصلاً فوریت یعنی چه ؟ یعنی لوائجی که اگر به تاخیر افتد ضرر دارد تقاضا میشود با قید دو فوریت تصویب شود. یکی از قوانین که به عقیده بنده کاملاً دو فوریت در آن ثابت است همین لایحه است که آقای بهبهان پیشنهاد کرده اند. و روز بهم که ما به این تبصره رأی دادیم به این عنوان رأی دادیم که مسافری که از ایران فعلاً میخواهند بروند به بین النهرین نگذاریم. هیچ يك از ما غرض نداشتیم به اینکه اگر يك نفر بخواهد از آنجا عبور کند نگذاریم یا اینکه يك نفر ایرانی که در بین النهرین متوطن است و آمده است به ایران نگذاریم به آنجا رود. خیر مقصود ما این بود بواسطه نظر سوئی که در بین النهرین نسبت به ایرانیها اتخاذ کرده اند نگذاریم ایرانیها آنجا بروند تا تکلیف ما با آنها روشن شود. غالباً دولتهای قانون فهم باید روح قانون را بفهمند و به آن عمل کنند. اما دولت در اینجا مطابق روح قانون عمل نکرده است و جلو همه را گرفته است. بنده خودم از اشخاصی هستم که به این قضایا مبتلا شده ام یعنی يك عده

زیادی که از بین النهرین آمده اند بروند مشهود حالا که برگشته اند میگویند به شما اجازه داده نمیشود. این تبصره که پیشنهاد کرده اند به منزله تفسیر است و مخالف با فرمایشات آقای دادگر هم نیست. به این معنی که لایحه بلديه هم همین امروز مطرح خواهد شد برای این که این تبصره اینقدر طول و تفصیل ندارد زیرا تمام مقصود این بوده است که زوار را منع کرده باشند و اشخاصی که بان قانون رأی داده اند هیچ غرض دیگری نداشته اند ما هم حالا آن قانون سابق را تفسیر میکنیم. بنا بر این خوب است اول این را مطرح کنیم و پس از ده بازده دقیقه دو مرتبه قانون بلديه مطرح شود.

رئیس - رأی گرفته می شود که این تبصره جزء

دستور شود. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع به فوریت

قسم اول است. آقای مدرس

مدرس - بنده موافقم.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - روزیکه این تبصره از طرف آقای نامداد

پیشنهاد شد و مجلس هم با يك احساساتی قبول کرد

و رأی داد نه اینکه ما میدانستیم بعد از گذشتن این

تبصره که در مملکت ما کمتر این قبیل قوانین سابقه

داشته و بطور عادی اجرا شده در جرائم و اخبار چیزها

خواهیم خواند. بی سیم ها و باسیم ها اطلاعات خواهند

داد و بالاخره روزنامه های امروز را هر کس خوانده

باشد میداند رو بتر هم خبر داده است که این قضیه در

عراق سوء اثر کرده و وضعیت آنجا را تکان داده است

ما البته این را میدانستیم که این چیزها در عقب این

تبصره هست ولی خوب بالاخره مجلس هم از نقطه نظر

حفظ مصالح مملکت و سیاست خارجی این مملکت و حفظ

حیثیت يك مشت ایرانی که با آنها معامله حیوانات در بین النهرین میشود و بالاخره مجلس تمام ایرانیان این تبصره را گذراند و در اینجا يك اشکالات خیلی مختصر که این را بعقیده بنده در عمل و با مذاکره مأمورین وزارت خارجه کاملاً قابل حل است يك همچو اشکالات مختصر را آورده اند تحت عنوان استثناء و غیر اینها که در اینجا نوشته شده است طوری است که همه کس میتواند برود حتی زوار. حالا زوار. حالا بنده ثابت میکنم. آقای بهبهان فرمودند يك عده ایرانی در آنجا متوطن هستند و به عنوان مسافرت آمده اند به ایران آنها میخواهند مراجعت کنند.

سند توطن آنها در آنجا چیست ؟ در سرحد يك نفر ایرانی با لباس

بین النهرینی مصادف میشود با مأمورین ما و میگویند من

در بین النهرین توطن دارم چند نفر از زوار را هم به شهادت

میاورد که من در آنجا متوطن هستم. توطن یعنی چه ؟ یعنی

در آنجا ملك و علاقه و خانه داشته باشد این را ما

توطن حساب میکنیم و لا يك نفر ایرانی که رفته است

پانزده سال در آنجا خانه گزیده و نشسته در صورتیکه

باید بیایند در این مملکت زندگانی کنند این را بنده توطن

نمیدانم. ما میخواهیم این توطن را تغییر بدهیم. ایرانی

باید در وطن خودش زندگانی کند. آن متوطنی را که آقا

مبفرمایند اسباب اشکال است آن متوطنی است که در آنجا

ملك و علاقه دارد. این را در سر حد با چه سندی میتوان

ثابت کرد ؟ ...

آقا زاده خراسانی - بانذکره

شیروانی - در تذکره مینویسد او در آنجا ملك دارد ؟!

باغ دارد ؟! چند جریب زمین دارد ؟! خیر فقط در تذکره نوشته

میشود این شخص ایرانی است که آمده است در عراق یا ایرانی است

که میخواهد برود عراق. بنا بر این در تحت عنوان توطن که

يك کلمه کس داری است ده هزار نفر زوار خواهند رفت.

فرمودند که يك عده تجار و کسبه لاعلاج هستند همه روزه از

محمده بروند به بصره آقای موقر هم فرمودند صحیح است ما میخواهیم جلو همین را بگیریم . ما میخواهیم پولهای محمره در بصره خرج نشود . ما میدانیم در بصره هتل های شیک و تأثر های عالی هست تمام وسائل تفریح هست ولی ما نمیخواهیم پولهای محمره در بصره صرف این کارها بشود . میخواهیم پولهای بصره به محمره بیاید

موقر - خیر پول بصره میآید به محمره . شما اطلاع ندارید . من در کار هستم میدانم .
شیروانی - بنده هم تصدیق میکنم که شما يك تجارتي دارید بين محمره و بصره والبته منافع شخصی نان اقتضا میکند از اینکه دفاع بکنید ولی بنده از نقطه نظر عموم و از نقطه نظر مملکتی عرض میکنم که اگر پنجاه نفر صد نفر دویست نفر تاجر ما هم فدای این قانون بشوند ما باید این قانون را در مقابل آن قانون مشومی که برای ما گذرانده اند بگذرانیم و مجلس ایران صلاح نیست اینطور سستی بکنند در مقابل فشاری که در تحت عنوان قانون به گردن ایرانیها وارد آورده اند و باید قانونی را که پررئوز مجلس با آن احساسات گذرانند حفظ کرد . قانونی که در آنجا گذرانده اند قانون جزیه است جزیه که ایران همیشه از دنیا میگرفته حالا از ایرانی میخواهند بگیرند !! با تبعه سوریه با تبعه شامات با تبعه کوچکترین دولت تحت استعمار این عمل را که با ایران ما میکنند نمیکنند ایرانی در آنجا از حیوان پست تر شده !! مع هذا من میدانم با اینکه بچهار نفر تاجر ضرر میخورد بنده میگویم صد نفر تاجر مهم هم که پایدمال شوند و سیاست مملکت محفوظ بماند بهتر است . . .

بهبهان - این مذاکرات راجع بفوریت نیست .
شیروانی - آقا هم راجع به مطرح شدنش خیلی مذاکره فرمودید . . .
بهبهان - بله راجع بمطرح شدنش باید گفته شود .

شیروانی - بنده هم البته راجع بفوریتش باید عرض کنم . بنده عرض میکنم این تبصره که بررئوز در مجلس بتصویب رسید برای چیست ؟ برای سیاست ایران و بالاخره برای حل شدن همان اختلافاتی که اصلاً بنده حالا نمیدانم صلاح است که ما در آن خصوص ها حرف بزنیم یا نه ؟ و بنده شخصاً زدید دارم بهر حال يك چیز هائی موجب شده است که ایرانی ها در آنجا بید بختی افتاده اند . پس بگذارید چهار ماه شش ماه يك صدمات بارینها بخورد و يك خسارانی بتجار سرحدی بخورد برای اینکه سیاست این مملکت پیش برود و بالاخره با يك خبر رویتر هم ما از میدان در زویم .

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بعضی سابقه ها بفرموده آقای رئیس خوب نیست ولیکن سابقه این شده که در مذاکره راجع به فوریت داخل در ماهیت موضوع هم باید شد . لهذا چاره نیست و شخص بنده مجبورم يك حرفهائیکه شاید یکسال دوسال دیگر باید بزنم بجهت این پیش آمد حالا بزم عقیده من این است که تمام ایرانیها که در مکه و مدینه و در عراق عرب بلکه تمام جاهای دیگر هستند باید قطع علاقه بکنند و بیایند بایران . این عقیده شخصی من است عرض کردم که مجبورم حالا بگویم و حال آنکه حالا بیکدردی زود است . عقیده من این است که تمام ایرانیها که در آن خاکهای متبرکه و در آن امکانه مجاورند اگر صاحب ده کرور هم هستند باید علاقه شان را بردارند بیایند و اگر ممکن نشد باید خودشان بیایند و مسلم است که این عقیده من برای چیست . برای این است که در ایران دیانت و مراتب شخصی و شرافت بهتر از همه جا میتواند برای ایران محفوظ بماند و در جای دیگر نمیتواند آقای شیروانی نمیدانم سفر کرده اند یا نه ؟ ولیکن بنده خیلی سفر کرده ام . در خاک ترکیه ، حجاز ، یثرب ، در عراق ، شام ایرانیهایی که هستند عقیده ام این است

که باید همه بیایند بایران . عقیده ام را عرض میکنم البته عقیده بیان سیاسی است . وقتی که بیان شرعی هم شد بموقع عرض خواهم کرد . باوجود این عقیده که دارم این تبصره را که آقای بامداد پیشنهاد کردند بفوریت مثل باقی چیزها بموقع خودش مذاکره نشد و باید بیشتر در اطرافش مذاکره شده باشد ولیکن همانطور که فرمودند بواسطه احساسات يك مسئله که بنظر وکلای محترم مبغوض یا خوب بیاید نمیتوانند جلو خودشان را بگیرند . وقتی که این قبیل مطالب پیش میآید بی اختیار می شوند . چون در اطراف مسئله مطالعه نشده رأی داده شد و بنده عرض کردم تأمل کنید و تأمل نکردند حالا موافقم با آقا و چون آن مسئله بفوریت گذشته است این بیان هم که تفسیر آن است باید بفوریت بگذرد اصل مسئله باید زیادتر از این درش فکر بشود و منقح تر بشود تا اینکه انشاء الله موفق بشوید بان عقیده که بنده عرض کردم و بنده فرق نمیگذارم بین فقیر و غنی و ده ساله و بیست ساله و بکساله . عقیده ام این است که همه باید بیایند ولی تصدیق می فرمائید که حالا در اینجا يك محظورانی است . مأمورین دولت هم محظور دارند . گرچه بنده در این موضوع هم شاید بکوقتی حرف داشته باشم و موافق نباشم که اصلاً مأمور از طرف دولت بآنجا برود اما نه حالا . . .

شیروانی - الان موقعش است .

مدرس - سرحدی ها هم شما ملتفت نیستید یعنی چه یعنی آنهایی که يك فرسخی دو فرسخی هستند . صبح باید بروند آنجا . شب بیایند اینجا . باین جور نمیشود جلوگیری کرد . یکی و دو تا و صد تا و هزار تا هم نیست . اختصاص به بصره و محمره هم ندارد . در حدود سرحدی شاید همه روزه پنجهزار نفر از اینطرف میروند آنطرف و پنجهزار نفر از آنطرف می آیند اینطرف و این ماده شامل همه آنها میشود و همینجوری که بعضی آقایان فرمودند ما مراد خودمان را تفسیر می کنیم ، لهذا

چون آن اصلش بفوریت گذشته است این تفسیرش هم باید بفوریت بگذرد و الا من کلیه با فوریت موافق نیستم ولی چون آن بفوریت گذشته است تفسیرش هم باید بفوریت بگذرد اما در اصل مسئله باید مطالعات کرد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مشهور است (بنده نمیخواهم مفصل عرض کنم) که آقای مدرس یکی از ناطقین زبردست هستند يك مسئله را که میگویند اول میگویند من مخالفم . يك ایرانی نباید آنجا باشد . اما اینجا که رسید . خبر همینطوری که میگویند نطقی بوده است در رم که چه کرد . نطق کرد و يك دفعه منقلب کرد . بعینه بیانات آقای مدرس هم همانطور است . اول خرده خرده ما را وارد میکنند بعد بکمترتبه نتیجه را کردن ما بار میکنند . آقا این ملت يك روزی باید جدی بشود و قدمهای جدی بردارد آن روز کی است که ما باید جدی بشویم ؟ آقا بان نمایندگان : والله ما رفته بودیم در بغداد اهالی بغداد ما سنك میزدند !! میگفتند ایرانیها مثل ملخ مصری ریخته اند بارزاق ما !! بگذارید يك قانون صحیحی از مجلس بگذرد يك قانونی که ایرانیها را نجات بدهد از مجلس بگذرد امروز يك قانون وضع میکنیم به مجرد اینکه فی الجمله در بازار بغداد يك جزئی اختلافی پیدا میشود آنوقت است که در تحت نظردیپلمات آقای پاك روان يك تبصره درست میشود می آید !! آقا : مطابق این تبصره کیست که نمیتواند برود ؟ مگر کلاغها نتوانند بروند !! تمام آن نظریات که ما داشتیم همه بر کشت میکند ! حالا از آقای مدرس تقاضا میکنم که بگذارید فوری نیاید و برود به کمیسیون خارجه با اقلا بعد از تنفس بفرمایند که ما در تنفس بیکدردی مطالعه بکنیم بعد برگردد شما که میگوئید فوریت بد است . چطور در اینجا بد نیست بگذارید لا اقل برای بعد از تنفس و بان عرض بنده موافقت کنید .

مدرس - بسیار خوب باشد برای بعد از تنفس

رئیس -- پیشنهاد کنندگان ایرادی ندارند که بماند برای بعد از تنفس ؟

بهبان -- خیر بماند برای بعد از تنفس

رئیس -- پیشنهاد دیگری راجع بدستور رسیده قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون معارف راجع بقانون طبابت اول دستور گذارده شود دکتر طاهری

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری -- قانون طبابت مشتمل بر سه ماده است

گرچه قانون بلدیه در دستور است ولی این قانون طبابت که مشتمل بر سه ماده بود گذشته ولی بر حسب يك

پیشنهادی که آقای تقی زاده فرمودند و قابل توجه شد ماده اولش ماند که به کمیسیون رفت. کمیسیون هم

راپورت داده. بهتر این است که این يك ماده که باقی است امروز تکلیفش معلوم شود که این قانون تمام

شود لهذا بنده پیشنهاد کردم اول این مسئله جزو دستور بشود که این کار تمام نماند بعد چیز دیگر مطرح شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم اگر بنده در اینجا ساکت بمانم مثل این است که ایمان به حرفهای خودم ندارم زیرا

عرض کردم يك قانونی که مطرح است اگر آن قانون از دستور خارج بشود عبور از آن قانون به قانون دیگری

که فکر انسان مهیا نیست مثل همین قضیه میشود که الان مطرح بود. یعنی بنده به آقای مدرس عرض

کردم بالاخره شاید هم صلاح باشد. ما لجاج نداریم در امور مملکتی. ولی غیر مترقب است برای ما

و باید در مقابل این قضیه بحث کنیم و شور کنیم اگر چه قضیه معارف است و مشمول آن قاعده کلی

هم نیست زیرا سابقه دارد و مرکوز ذهن هست ولی با وجود این بنده لازم میدانم برای تأیید نظر خودم

عرض کنم که معتقدم قانون بلدیه مطرح شود تا آن يك ماده را هم که آقای تقی زاده اظهار نظر کردند مطالعه کنیم گرچه جزء اسناد توزیع شده ولی مطالعه

نشده خوب است آنرا بگذارند برای بعد از تنفس که مطالعه کنیم و بالاخره این فاصله را که مهیا هستیم

برای قانون بلدیه و مهیا نیستیم برای کارهای دیگر این فاصله را در بهترین موقعیت صرف کنیم و آنوقت برویم

سر آن کارهای معارفی

وزیر معارف -- آقای دادگر خوب مسبقند که این لایحه دو مرتبه در مجلس نحت شور و مطالعه قرار

گرفته و چند ماده اش در شور نان تصویب شد فقط يك ماده بر حسب پیشنهاد آقای تقی زاده که قابل

توجه شد ارجاع به کمیسیون شده و کمیسیون هم چندین روز است که راپورتش را تقدیم مجلس کرده

است و مذاکرات هم در اطراف آن ماده زیاد شده پیشنهادات زیادی هم تقدیم شده بود در موقع شور

دوم و مجلس تکلیف آن ها را معین کرد و بنا بر این تصور میکنم بقدر دو سه دقیقه بیشتر وقت لازم نداشته

باشد و بنده خودم هم شخصا کمال علاقه مندی را دارم به لایحه قانون بلدیه که هرچه زودتر این امر مهم را که واقعا

یکی از خدمات بزرگ ملی در ایندوره اصلاح همین قانون است این را مجلس مقدس انجام بدهد

ولی چون آن هم يك ماده بیشتر نیست و توزیع هم شده و آقایان هم البته مطالعه کرده اند مقتضی است

که آقای دادگر هم این دوسه دقیقه را موافقت بفرمایند تکلیفش معین شود.

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دکتر طاهری آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قانون طبابت قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

کننده هم این بود که چون اطباء غالباً در مرکز تجمع می کنند جلوگیری شود از آنها و مقصود از این ماده فقط این است که مرکز مستثنی باشد شیراز را هم که مثل

زبد شیراز شهر است اینجا نوشته است در ولایات و قصبات میتواند طبابت کند. ایالات هم مرکب هستند

از يك شهر یا چند شهر و طبیب در تمام آنها میتواند طبابت کند. مقصود از این پیشنهاد استثناء مرکز است

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده گاهی حقیقه نگاه می کنم روزهاجات مینویسند در آلمان قانونش سه شوری است

خیلی تمجید میکنم. الان بنده يك نظری برام بیسند شد. بواسطه خاطر این مسئله است که این راعرض

میکم یعنی توجه میدهم که قانون بمعرض ورزش فکری بیاید. الان در این ماده که نوشته اطباء که ده

سال طبابت کرده اند میتوانند وارد مجلس امتحان بشوند اگر مناط مسئله امتحان است که در

ایالات و ولایات و مرکز تشکیل میشود پس مناط نفوس طبابت نیست. مناط امتحان دادن در آنجا است.

پس اختصاص دادن بده سال دلیلش چیست؟ ده سال چه مدخلیت دارد؟ برای اینکه آنچه که در دادن

اجازه مدخلیت دارد امتحان دادن در مجلس امتحان است پس بنده با ده سال مخالفم بواسطه اینکه يك نفر

آدم خوش قریحه است پنج سال که تحصیل کرده ممکن است بیاید در مجلس امتحان بدهد و

مجلس امتحان او را امتحان میداند با اجازه میدهد این است که بنده با ده سال مخالفم زیرا مناط نفوس

گذشتن زمان نیست. امتحان دادن در مجلس امتحان است. این اولاً و ثانیاً این نظری را که آقای تقی زاده فرموده

بودند و در اینجا کمیسیون آمده است يك ترتیبی داده است بنده خواستم عرض کنم که اصل این نظر غیر وارد بوده است

برای اینکه کسی که در دهات است مثلاً توپسرکان یا آباده یا جای دیگر. و می آید در شیراز که مرکز

ماده اول -- اطباء که تاکنون موفق باخذ اجازه نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال

متوالی مشغول طبابت بوده اند می توانند در مجلس امتحان در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات

(با عضویت اطباء دیلمه و اطباء محاز در طب قدیم) تشکیل خواهد شد امتحان دهند در صورتیکه امتحانات

آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت در ولایات و قصبات و بلوکات بآنها داده خواهد شد و فقط در

حدودی که بآنها اجازه داده شده حق طبابت خواهند داشت.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- بنده با این قانون موافق بودم و بسیار هم خوب قانون است و آن پیشنهادی را هم که آقای

تقی زاده فرموده بودند بنده موافقت کردم بعد دیدم يك اجباری پیش می آید. اگر چه کمیسیون آن پیشنهاد

را تغییر داده و آن اجبار را برداشته معذالك لفظ ایالات را ندارد و بیشتر گرفتاری هم که آقای وزیر

معارف میدانند در اطباء است که در ایالات هستند و غیر مجاز هستند یعنی تسامح کرده اند که در مدت آن قانون

اجازه بگیرند و متصل بوزارتخانه و رؤسای معارف مراجعه می کنند و این قانون هم در تعقیب

مراجعات آنها پیشنهاد شده. این است که بنده استدعا دارم يك لفظ ایالات اضافه شود یا توضیحی

بدهند که معلوم باشد مثلاً يك اشخاصی هستند که چهار سال پنجاه سال است طبابت کرده اند در شیراز

مشهد، تبریز، حالا اینها را نمیشود مجبور کرد که بروند قراء و قصبات یا یکی از ولایات تابعه زندگان کنند

شاید برای آنها فایده نداشته باشد آن وقت نتیجه این است که هم آنها محروم بمانند و هم مردم از استفاده علم

آنها محروم باشند.

مخبر -- در مقدمه این خبر اگر ملاحظه بفرمائید این نظر نامین شده است برای اینکه نظریه پیشنهاد

آنجاها است امتحان میدهد حالا ما که این قانون را می نویسیم که او وقتی امتحان داد و اجازه گرفت حق طبابت کردن در آنجا را دارد ولی در مرکز ندارد من این را حقیقه نمیتوانم تحمل کنم چرا؟ گرچه نظر پیشنهاد کنند و نظر کمیسیون این است که آنها در مرکز مجتمع نشوند و به دهات هم بروند اما بوی این می رود که ما قصابات و ولایات را بمنزله مستعمره مرکز قرار دهیم یعنی آنهايي که در آنجا طبابت می کنند در مرکز نتوانند طبابت کنند. مثل دکترهای فرانسه که اول باید بروند مراکشی ها را نابود نکنند بعد بیایند به پاریس. اینجا هم مثل این است که بگویند اول باید در مستعمرات بروند امتحان بدهند بعد از آن که از عهده امتحان آنجا بر آمدند می توانند در شهرها بیایند بنده این را عقیده ندارم. این لفظ تعبیر می شود که در قصابات و شهرها اجازه دارند ولی در مرکز ندارند. یعنی چه؟ یعنی برای وجود ما مرکزی ها باید يك اطباء ممتحنی باشد گرچه نظر پیشنهاد کننده این بود که همه رو بر مرکز حمله نیاورند ولی این سوء استفاده ازش میشود بنده جداً مخالف آن هستم و باید سال هم مخالف هستم.

مخبر - اولاً موضوع ده سال و پنجسال در شور اول و دوم هم مکرر مذاکره شد جواب هم داده شد معذالک باز عرض میکنم علم طبابت بر طبق قوانین جاریه هفده سال دوره تحصیل است که شش سال در مدرسه ابتدائی و شش سال در مدرسه متوسطه (اگر رفوزه نشود) و پنج سال در مدرسه طب بعلاوه آنچه که باید در مریضخانه ها عمل کنند و همینطور هم قانون گذشته است و مجری هم هست اشخاصی هم هستند که زحمت کشیده اند و بعد از هفده هیجده سال زحمت بالاخره دیپلم گرفته اند و مشغول طبابت شده اند و البته همانطور که علم طب يك علم محترمی است چون جان تمام مردم در دست اینها است بایستی که با حذاقت و با علم باشند

نظر به این که این طور اشخاص بقدر کفایت و بقدر لزوم در ایران وجود ندارد و نظر باینکه اشخاصی هستند که با معلومات قدیمه و تجربیات يك اقداماتی میکنند که چندین مضر نیست بعلاوه بواسطه نبودن طبیب دیپلمه بقدر کافی و احتیاجی که بوجود اینها هست دولت پیشنهاد کرده است که این اشخاص هم با يك انتخاباتی بهشان اجازه داده شود که طبابت کنند شرایط امتحان هم این است که ده سال مشغول طبابت باشند زیرا ملاک اجازه طبابت این اشخاص تجربه است نه تحصیل اگر تحصیل باشد که مطابق پروگرام مدرسه باید تحصیل بکنند و امتحان بدهند و دیگر این قانون کاری ندارد این است که شرط کرده است ده سال طبابت کرده باشند که طی که اساسش تجربه است این تجربه را دارا باشند که بشود به آنها اطمینان کرد آنوقت نازه باید امتحان بدهد و اگر تحصیل کرده باشد دیگر مدت لازم نیست زیرا ممکن است دو سال طبابت کرده باشد ولی بتواند امتحان بدهد ولی چنین شخصی اگر بخواهد امتحان بدهد باید مطابق پروگرام مدرسه طب امتحان بدهد. (علم هم لدنی نیست) ولی يك امتحاناتی است که بعضی مطابق معلومات قدیم و بعضی مطابق معلومات جدید تا حدود معینی باضمیمه آن تجربیات ده ساله اجازه داده میشود که طبابت کنند تا اینکه کم کم اطباء دیپلمه زیاد شوند و البته این هم يك قانونی نیست که دوا می داشته باشد و اما اینکه فرمودند تصویب پیشنهاد آقای تقی زاده ممنوع داشتن اینها از اقامت در مرکز و رفتن بولایات و قراء و قصابات این بر عکس است و در مقدمه خبر هم نوشته شده است منظور این است که ولایات و بلوکات و قراء و قصابات محروم از طبیب نباشند و آن ها هم بتوانند استفاده کنند و اما اینکه فرمودند اینها با هم فرقی ندارند بنده عرض میکنم فرق دارند اشخاص تحصیل کرده و دیپلمه را با این اشخاص نمی

شود مقایسه کرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از عبارت (اجازه نامه طبابت در ولایات) کلمه (جزء) اضافه شود

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - مقصود بنده از این پیشنهاد عین پیشنهاد سابق است که تکرار میکنم مقصود از آن پیشنهاد هم در واقع همان گمه جزء است که حذف کرده اند در صورتیکه پیشنهاد بنده در سابق قابل توجه شد و اکثریت مجلس به قابل توجه بودنش رای داد و البته این يك حکمتی داشته است و حکمتش این بود که ولایات کوچک و قصابات و بلوکات از طبیب محروم نمانند نه اینکه اطباء نمره اول در مرکز بمانند و در ولایات نیمه طبیب هم نداشته باشند و بنده گمان میکنم اطبائی هم که اجازه نامه رسمی ندارند در مرکز کم است و غالباً در ولایات هستند ولی در بلوکات و قصابات طبیب که ندارند نیمه طبیب هم ندارند و مقصود این بود که يك کاری بشود که لا اقل اینها بموجب این قانون حق طبابت در رشت و اصفهان و این قبیل جاها نداشته باشند در ولایات جزء و قراء و قصابات حق داشته باشند. آقایان اعضاء کمیسیون لفظ جزء را حذف کرده اند حتی یکی از آقایان هم پیشنهاد کرده اند لفظ ایالات هم اضافه شود پس این تبصره تمام نتیجه اش باطل میشود که اگر يك با دو نفر طبیبی هم در طهران هستند و تصدیق نامه رسمی ندارند اینها را بفرستند بولایات. و این معنی ندارد در هر صورت مقصود بنده این بود که چنانچه عرض کردم يك کاری بکنیم که ولایات جزء هم طبیب برود و اگر غیر از این باشد تمام اطباء نمره اول حتی اطباء نمره چهار و پنج هم در مراکز ایالات و ولایات میمانند و به آنجاها هیچ نمیروند و آنجاها بدون طبیب میمانند و کارشان بدست دلاکها و پیره زنها

می افتد بنا بر این البته يك حکمتی داشت که مجلس رأی داد و باید آن کلمه جزء و قصابات با هم باشد و اگر بنا باشد این کلمه نباشد اصلاً وجود این تبصره بکلی زائد است لهذا بنده پیشنهاد کردم که رای قطعی گرفته شود یا رد شود یا قبول شود و الا آن اصلاحی که آقایان کرده اند اصلاح مهمی نیست مخبر - آن اصلاح نماینده محترم را کمیسیون نتوانست قبول کند زیرا مجبور کردن يك اشخاصی را که از طرف دولت موظف نیستند ممکن است با قانون اساسی هم تصادف کند از این جهت کمیسیون نتوانست قبول کند و حالا هم نمیتواند بپذیرد.

رئیس - پیشنهاد ایشان پیشنهاد جدیدی نیست. باید رأی قطعی گرفته شود میماند بعد از سایر پیشنهادها پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم کلمه (ایالات) اضافه شود ما قبل (ولایات و قصابات)

رئیس - آقای بیات

حاج شیخ بیات - در عبارت این ماده اینطور نوشته شده در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت در ولایات و قصابات و بلوکات آنها داده خواهد شد کانه این جا ایالات استنباط شده است. بر حسب اصطلاح ما در ایران يك قسمت ایالات داریم يك قسمت ولایات و يك قسمت هم قراء و قصابات و البته کسی که اجازه نامه طبابت گرفت باید حق داشته باشد که در ایالات هم طبابت کند اما این نکته که آقای تقی زاده فرمودند راجع باینکه باید کاری کنیم که حتماً طبیب به قصابات و بلوکات هم برود این خوب فکری است ولی بنده معتقدم که باید در صحنه مملکت يك بودجه قائل شد که کاملاً صحت دهانها را تامین کند و البته میدانید که دهانی امروز بقدری مفلوک است که اگر ناخوش بشود و طبیب هم

باشد پول دوا ندارد پس وقتی این فکر عملی میشود که برای آن دهانی عوائدی باشد تا طبیب فرستاده شود ولی فعلاً نمیشود يك چنین تکلیفی را به اطباء کرد.

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات آقایان موافقین قیام فرمایند
(کسی قیام نکرد)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای مدرس

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لفظ در ولایات و بلوکات و قصبات حذف شود.

رئیس -- بفرمائید

مدرس -- معنایش را که همه میدانیم اگر امتحان داد طبیب است و همه جا طبابت میکند و اگر امتحان نداد که هیچ کجا طبابت نمیکند

مخبر -- این پیشنهاد را کمیسیون قبول میکند

رئیس -- پیشنهاد آقای بامداد

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم لفظ (مرکز ایالات) قبل از ولایات و قراء و قصبات اضافه شود

بامداد -- دیگر مورد ندارد بنده استرداد میکنم

رئیس -- دو پیشنهاد است یکی از آقای تقی زاده

که رای قطعی لازم دارد و یکی هم پیشنهاد آقای مدرس است که آقای مخبر قبول کردند. اول رای میگیریم به پیشنهاد آقای تقی زاده نسبت باضافه کلمه جزء بعد از ولایات آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند

(عده قلیل قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رای گرفته میشود بماده اول باستثناء کلمه ولایات و قصبات و بلوکات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

در این قسمت مردهم زیرا اگر ما بخواهیم انتخابات بطور صحت اجرا شود يك مبادی اخلاقی و چیزهای دیگری لازم است که سواد چندان لازم ندارد. بعلاوه این شرط يك عده مردم را از حق انتخاب محروم میکند. يك قید مضحك دیگری دارد و آن قید این است که دویست و پنجاه تومان پول داشته باشد و اگر کسی حقیقه دویست و پنجاه تومان پول داشته باشد از يك چنین حقی محروم است این شرط مخصوصاً مال ملل اشرافی بوده است که بطور زادی سیون به بعضی ملل دیگر رسیده است که ما می بینیم آنها هم در شرائط انتخابات را کمتر میکنند و ما به عکس در قرن بیستم هم داریم شرائط زیاد درست میکنیم که بالاخره يك عده معدود و مختصری بیایند رای بدهند بنا بر این این قیود بعقیده بنده لزومی ندارد

میرمناز -- (مخبر کمیسیون داخله) -- در ماده دوازدهم قانون ساق شرایط انتخاب کردن خیلی مشکلتر و سخت تر بود زیرا در آنجا مقید بود که انتخاب کنندگان باید خانه داشته باشند یا مستعل داشته باشند یا اراضی که قیمت آن هزار تومان باشد داشته باشد در کمیسیون وقتی که این موضوع مطرح مذاکره شد برای اینکه شرایط انتخاب را کمتر و سهلتر کرده باشند تمام اینها را تنزل دادند به دویست و پنجاه تومان برای اینکه اشخاصی که عوارض بلدی را میدهند شرکت کنند در انتخابات این بود که کمیسیون این شرط را قید کرده

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- بنده موافقم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- بنده مخالفم. بلدیة اصولاً برای اداره کردن اراضی و املاک بلد است و کارش این است. و آن اراضی و املاک البته متعلق به اشخاص است. عوارض هم از آنها گرفته میشود. تصرفانی هم که از طرف بلدیة در املاک و اراضی میشود مربوط است به صاحبان املاک و اراضی

بنا بر این حق انتخاب کردن را باید اشخاصی داشته باشند که آن املاک و اراضی متعلق به آنها است و نفع و ضرر بلدیة هم بالاخره به آنها راجع میشود این است که بنده يك پیشنهادی هم تهیه کرده ام که اولاً آن کلمه سواد که در اینجا قید شده است حذف شود و ثانیاً بر گردد به آنجا که قلاً دویست و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد و لا کسی که عوارض بلدی را نمیدهد و نفع و ضرری از این راه ندارد دلیل ندارد حق انتخاب داشته باشد

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- بنده غرضم نسبت به عبارت ماده ده این قسمت اخیرش که دو شق میکند که باید سواد فارسی داشته باشد یا لا اقل دویست و پنجاه تومان علاقه ملکی. دو شق کردن بسبب تردید همه حاضرین باید در فقدان دومی قائم مقام اولی باشد و این بموجب قانون منطق غیر متناسب است زیرا هر کدام شرط مستقلی هستند یا باید قائل شد که هر دو باشند یعنی هم سواد فارسی را دارا باشند و هم دویست و پنجاه تومان را یا اینکه یکی را شرط زائد بدانیم مثل این که آقای شفق هم فرمودند در هر صورت با این را باید قید کرد یا آن را و هر دوش را بطور تردید بخواهیم قائل شویم غلط است و معنی ندارد

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- این قضیه مسئله ایست که جاری است وقتی که فکر شخص بيك قضائاتی است و میخواهد از او منتزع شود باز يك چیزی از آن باقی میماند قواعدی که در قانون سابق بلدیة برای اعضاء انجمن معین شده بود بکفدری مشکل بود و بالاخره کمیسیون اینطور صلاح دانست که بکفدری شرایط را باین تر بیاورد و آن منطقی که آقای کازرونی فرمودند: کسانی که در تأدیة پرداخت مالیات بیشتر سهمند روی این کار هم بیشتر سهم باشند صحیح است و آن بیانی که آقای عمادی

فرمودند که از دو شق بک شق قبول شود یا هر دو شق باشد بالاخره نظر ما روی داشتن علاقه بوده است و علاقه هم با از راه داشتن سواد است و یا از راه داشتن علاقه ملکی اینجا بنده نظرم است در موقعی که قانون نظام اجباری مطرح بود یکی از آقایان می گفت که کسانیکه محصلند معاف باشند و منطق بیان کرد که بالاخره اگر فرار کرد از نظام در يك مرحله دیگر از ترقی وارد میشود یا اینکه عیال بگیرد و در مملکت نفقات بیشتر میشود و بالاخره تشویق غیر مستقیم بآبادی مملکت میشود و شاید يك روزی بیاید که ما بتوانیم بگوئیم فقط با سواد ها رأی بدهند و بقول یکی از آقایان حالهای رأی نباشند و عاملهای رأی باشند و بنظر ما بکفایت داشتن علاقه اهمیت داشت ولی اگر حالا ما به این مسئله لایابالی باشیم در مسئله دوم که سواد بشد لایابالی باید مقاومت کنیم و این مسئله خودش يك تشویقی است برای اینکه وقتی که بسوادها از مداخله در کارها بازمانند مبروند عقب تحصیل اما راجع به انتخابات يك امر دیگری هست بنده می خواهم بعرض آقای دشتی برسانم و آن این است اهالی قراء و قصبات که غالباً بی سوادند مداخله دارند در انتخابات عمومی ولی در انتخاب بلدی منحصرأ اهالی شهر دخالت دارند و در شهر یافتن مردمان با سواد آسان تر است از یافتن مردمان با سواد در قراء و قصبات خلاصاً اگر قانون انتخابات از این حیث فعلاً مظلوم مانده است لایابالی خوبست در باب با سواد بودن اشخاصیکه در شهر ها اعضاء بلدی را انتخاب میکنند مقادیم باشیم و شرط سواد کمال ضرورت را دارد و ما باید مردم را بتحصيل سواد دعوت کنیم و در شهر ها بقدر کفایت با سواد یافت میشود که از روی فهم و تشخیص انجمن بلدی را انتخاب و در این قبیل کارها دخالت نکنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده توجه میدهم مجلس را که این ماده هم نظیر همان ماده انتخابات مجلس شورای ملی است. خوبست توجه بفرمائید این ماده بعد ملاحظه کنید و قدری فکر بفرمائید. آقایان مسئله را مشروط میکنند بداشتن سواد و یا داشتن پول و تمام این ها مخالف با حکومت دموکراسی است. بنده عقیده ام این است که مجلس باید دلائل مخالفین را هم گوش بدهد نه اینکه مذاکره نشده با ماده موافقت کند. چون این يك ماده اساسی است بنده عقیده دارم که در این باب مذاکرات بشود.

رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات. آقایان که موافقت قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت می شود.

(بعبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که شرط داشتن سواد با علاقه ملکی در حدود دویست و پنجاه تومان حذف شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که امورات را باید هر چه ممکن است سهل و ساده گرفت تا همه بتوانند از آن استفاده کنند امورات را وقتی که مشکل گرفتند استفاده از آن کم میشود. اهل بلد ممکن است هم سواد داشته باشد هم نداشته باشد. با همین طور ممکن است علاقه ملکی داشته باشد یا نداشته باشد. آنوقت کسی که سواد یا پول ندارد بواسطه نداشتن سواد با دویست و پنجاه تومان پول از این حق ملی محروم می ماند. باین ملاحظه و بعضی ملاحظات دیگر که در موقع عمل تولید يك محظورات و مشکلاتی خواهد کرد از این جهت بنده با این

شروط مخالفم. و اساساً بنده عقیده ام این بود که وکلای مجلس شورای ملی با وکلای بلدی هر دو با هم انتخاب شوند باین معنی که مثلا وکلای بلدی طهران از سیزدهم بپنجم شروع شود تا هر قدر که لازم است و همینطور وکلای بلدی سایر شهر ها از نهم بعد از وکلای مجلس شروع و انتخاب شود. و این ترتیب خیلی سهل و کم خرج تر است مقصود این است طوری نشود که يك تحمیلی بر ملت بشود. امیدوارم آقایان با این پیشنهاد بنده موافقت فرمایند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض میکنم همانطوریکه عرض شد کمیسیون در باب اینککه علاقه ملکی داشته باشند چندان مقاوم نیست ولی رأی داشتن سواد مقاوم است. برای اینککه کار متعلق است بشهر و در شهر هم صاحب سواد زیاد پیدا میشود. و خود این کار مشوق مردم است که در کلاسهای اکابر یا جاهای دیگر درس بخوانند و خواندن و نوشتن یاد بگیرند. از این شرط نفع حاصل میشود ولی ضرری حاصل نمیشود. برای اینککه مباشرتین انتخابات در شهرها بقدر کفایت موجود است بنا بر این بنده عقیده دارم که پیشنهاد آقای فیروز آبادی را تجزیه بفرمایند آنچه را که راجع بداشتن ملک است علیحده رأی بگیرید و آن قسمتی که راجع بداشتن سواد است علیحده.

رئیس - رأی میگیریم.

مدرس - آقا اگر اجازه میفرمائید بعد از پیشنهاد بنده. باشد و الا اسباب زحمت خواهد شد.

رئیس - پیشنهادی که در این زمینه رسیده یکی از طرف آقای ملک مدنی است و دیگری از طرف آقای احتشام زاده.

عمادی - بنده هم پیشنهادی کرده ام.

رئیس - راجع به دویست و پنجاه تومان است؟

عمادی - بلی

رئیس - آقای عمادی پیشنهاد کردند که جمله بعلاوه بعد حذف شود. پیشنهاد آقای فیروز آبادی تجزیه می شود. مدرس - همه پیشنهادها را بفرمائید قرائت کند رئیس - رأی قطعی نمیگیریم. رأی قابل توجه است اول رأی میگیریم به حذف علاقه ملکی دویست و پنجاه تومان آقایانیکه این قسمت را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده زیادی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه شد. حالا رأی گرفته میشود به قسمت ثانی. یعنی به حذف قسمت سواد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم بجای ماده ده ' یازده ' دوازده ' سیزده ' چهارده ' نوشته شود

ماده دهم - شرایط و مواعید انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان انجمن بلدی در هر زمان و هر دوره همان شرایط و مواعید انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان همان زمان و دوره وکلای مجلس شورای ملی است تبصره - اعضاء اداری و مستخدمین جزء بلدی و اشخاصی که از موسسات خیریه بلدی اعانه مییابند از انتخاب کردن محروم خواهند بود.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض کردم انجمن های بلدی فی الحقیقه و نفس الامر اولاد های كوچك پارلمان است منتها این اولاد هائی که تا کنون داشتیم تا خلف بودند حالا بمقتضای این قانون میخواهیم اولاد های خلف درست کنیم. واقع مسئله اینست که میخواهیم انجمن های بلدی قانونی درست کنیم بطوری که افعال و اقوالشان را همه روزه نتوانیم تنقید کنیم شرایط این اولاد ها کامل تر از شرایط پدرشان نباید

دادگر - اگر قائلیم که عصر در ترقی است باید قبول کنیم که اینطور است حالا حضرت عالی این طور می فرمائید چیز دیگری است. بعقیده بنده مسئله انتخاب انجمن بلدی غیر از انتخاب وکیل برای مجلس شورای ملی است.

اولاً موافق قانون انتخابات (چنانچه تجربه هم داریم و خود حضرتعالی هم میدانید) اگر ما بخواهیم مردم و اهالی قراء و قصبات و دهات را در امر انتخابات شرکت ندهیم باراده ملت نمیرسیم. زیرا با سواد خیلی کم است و مباشر انتخابات در مقابل توده عظیم ملت که بی سوادند و اکثریت دارند با سواد خیلی محدوده است از این جهت باراده ملت نمیرسیم. ولی در اینجا یعنی مسئله انتخاب بلدی مطلب بعکس است زیرا قضیه راجع بشهر است نه تمام مملکت و در شهر هم بقدر کافی با سواد یافت میشود. و اگر این انتقاد را بفرمائید که چرا واقعاً در مملکت ما تعمیم معارف طوری نیست که دهات هم از حیث داشتن سواد مساوی با شهرها باشند این انتقاد وارد است اما چون ما از وضعیت حاضر صحبت میکنیم. و حالت حاضر ما هم طوری است که مردم در دهات و قصبات سواد ندارند و در صد دهکده شاید یکی دو نفر هم برای خواندن یا نوشتن يك مراسله یافت نشود ولی در شهرها غالباً اهالی بقدر خواندن و نوشتن لا اقل سواد دارند اگر در این مورد ماداشتن سواد را شرط قرار دهیم بجائی بر نمیخورد زیرا از اراده ملت دور نمی افتیم و يك اکثریت زیادی از توده ملت بر عکس مورد انتخابات مجلس مباشر انتخابات بلدی از اشخاص با سواد خواهند بود از این جهت مابین این دو موضوع یعنی انتخابات انجمن بلدی و انتخاب وکیل برای مجلس باید فرقی و تفاوت گذاشت. زیرا در اولی مباشرت انتخاب شهریها هستند که اغلب سواد دارند و در دومی مباشرت انتخابات توده و اکثریت قاطبه ملت است که بی سوادند.

باید قرصاً هم شرطی بخواهیم قرار دهیم. اول باید آن شرط را نسبت به پارلمان در نظر بگیریم بعد قهراً نسبت به بلدی هم ملحوظ خواهد شد. بنده پیشنهاد کردم شرائط و مواعین انتخاب انجمن های بلدی همان شرائط و مواعین باشد که برای انتخاب کنندگان انتخاب شونده مجلس شورای ملی معین است آنوقت هر زمانی که برای انتخاب کنندگان وکیل مجلس يك شرائطی زیاد و کم کردیم در این قانون هم زیاد و کم میکنم. و در صورت مصلحت آن شرائط را در اینجا هم ملحوظ میکنیم با این شرط که کسانی که میخواهند وکیل انتخاب کنند باید سواد داشته باشند بنده موافق نیستم و این مواد ده بازده دوازده سیزده. چهارده چیزی علاوه نمیکند فقط يك مسئله اش فلسفی است و آن این است که اعضاء اداری بلدی حق انتخاب کردن ندارند و این را هم بنده به عنوان تبصره پیشنهاد کردم و الا باقی شرائط همان شرائط و مواعین است که باید در موارد انتخاب کنندگان وکیل پارلمان معین شود منتهی چنانچه عرض کردم هر شرط و مانعی در قانون انتخابات کم و زیاد کردیم در قانون بلدی هم زیاد و کم خواهد شد. عرض دیگر اینکه سابق بر این ماکه مقام ریاست را اشغال میکردیم چون به واجبات و محرمات نگاه میکردیم این قبیل قضایا را مقدم میداشتیم ولی آقای رئیس از باب احتیاط چون به مستحبات و مکروهات هم عمل میکنند لهذا این پیشنهاد به تأخیر افتاد. و اگر این مسئله اول عنوان میشد شاید همه موافق میشدند و موجبات رضایت همه حاصل میشد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که بنده راجع به تشویق با سوادها شرمی عرض کردم و آقای راجع به پدر و پسر بیانی فرمودند در صورتیکه بسا اتفاق افتاده که پسری دانشمندتر از پدرش بوده است
مدرس - نادر است

بعلاوه ما که در مملکت تحصیل اجباری هنوز نداریم پس باید با يك ترتیبی وسائل تحصیل و تشویق مردم را با امر تحصیل فراهم کنیم و از این طرق آنها را الزام کنیم که بروند و سواد تحصیل کنند. البته هر وقت که بمرور ما تحصیل را اجباری کردیم از این حرف ها مستغنی خواهیم شد ولی امروزه که نداریم در مورد انتخاب انجمن بلدی بهتر این است که يك تشویق هم از اشخاص با سواد شده باشد. بی معنی است که مقتضی است مباشرت عمل را از اشخاص با سواد قرار دهیم بعلاوه بنده می خواهم به آقای مدرس يك اصلی را تذکر بدهم و آن این است که حضرتعالی برانسیپشن این است که در قضایا خیلی دقت مبفرمائید و در صورتیکه ملاحظه فرمودید دلائل طرف يك ادله اساسی است از عقیده خودتان عدول می فرمائید. در انتخابات مجلس شرط سواد میسر نبود از این جهت ما اهمال کردیم ولی در اینجا که میسر است مباشرت انتخاب میل و اراده خودشان را روی کاغذ بیآورند چرا ما باید دریغ کنیم؟ خوب است بگذاریم مؤسسات ملی واقعاً از خود ملت ناشی شود. این مسئله بود که ما در این جا باید مذاکره و بحث کنیم. مجلس هم قید قید خودش را نسبت باین مسئله نشان داد و بحذف سواد رأی نداد.

بنا بر این حالا هم بنده از آنچه که مجلس رای داده دفاع میکنم. و مسئله را هم که بنده در شخص حضرت عالی تجربه دارم این است که شما هیچوقت عناد و لجاج در مسائل مطروحه ندارید و چنانچه عرض کردم وقتی مسئله را صحیح دانستید از عقیده تان عدول میفرمائید و این هم صفتی است که منحصر به شخص خودتان است و بنده مخصوصاً از شما استرحام میکنم که اجازه بدهید ما ملت را بداشتن سواد سوق بدهیم.

رئیس - رای میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد.

مدرس - تبصره اش هم بود.

رئیس - بله به پیشنهاد تبصره رای گرفته شد سایر پیشنهادها قرائت شود یا برود به کمیسیون؟
عضی از نمایندگان - بکمیسیون مراجعه شود.
رئیس - بسیار خوب. بکمیسیون مراجعه می شود.
چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - چون همچو قرار بود که بعد از تنفس راجع بن پیشنهادی که از طرف بنده و بعضی از آقایان شد مذاکرات بعمل آید و مطرح شود ولی چون در خارج بین آقایان نمایندگان مذاکره شد و دور نیست توافق نظر حاصل شود لذا بنده با موافقت آقایان رفقا تقاضا میکنم که این پیشنهاد ارجاع شود بکمیسیون داخله - اشخاصی را هم که لازم میدانند در آنجا دعوت کنند و نتیجه را بمجلس اطلاع دهند
رئیس - ارجاع میشود به کمیسیون داخله و اگر وجود بعضی اشخاص را هم لازم بدانند دعوت کنند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) ماده بازدم قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۵ - عده اعضاء هیئت نظار انجمن بلدی هفت نفر و به ترتیب ذیل انتخاب میشوند: انجمن بلدی بیست و يك نفر از معارف و معتمدین محلات شهر را که دارای حق انتخاب شدن باشند با اداره حکومتی معرفی میباید و اداره حکومتی بلافاصله از آن ها دعوت نموده و بحکم قرعه هفت نفر از آنها برای عضویت اصلی و هفت نفر دیگر برای عضویت علی البدل معین میگردد.

تبصره - در نقاطی که انجمن بلدی وجود نداشته باشد اداره حکومتی مدلول ماده فوق را اجرا و هیئت نظار در هر حال با حضور نماینده حکومت تشکیل میشود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مخالفت بنده با این ماده از دو جهت است یکی اینکه به عقیده بنده عبارت ماده خیلی مبهم است و آن این است که مینویسد: انجمن بلدی نیست و یک نفر را بحکومت معرفی میکنند. اگر اینطور باشد البته انجمن بلدی به اشخاصی را معرفی خواهد کرد که نظریات خودشان موافقت داشته باشند و بنا بر این آن مقصود حقیقی که ما داریم از میان خواهد رفت. یعنی ما این عقیده را داریم که انجمن بلدی دارای هیچگونه احساسات خصوصی و شخصی نیست؟ و همچو فرض میکنیم که انجمن حتماً یک عده که طرف اعتماد پیدا و معرفی خواهد کرد؟ اینطور نیست زیرا امروزه احساسات و نظریات شخصی را نمیشود از مردم زائل کرد. انجمن البته یک اشخاصی را معرفی خواهد کرد که با نظریاتش موافقت داشته باشند علاوه بر این بنده میدانم در اینجا چه فرق است بین قسمت نظارت اعضاء انجمن بلدی با نظارت نمایندگان مجلس؟ اینجا از مواردی نیست که ما قائل بفرق شویم.

ما میخواهیم یک عده که واقعاً طرف اعتماد باشند بجهت نظارت در انتخابات معین کنیم. و بنا بر این همان شرائط و اوصافی را که ما در باره اعضاء انجمن - نظارت وکیل مجلس قائل شده ایم باید در این جا هم قائل شویم. و بنده تصور میکنم اگر این طور باشد مسئله کاملاً بضرر مردم خاتمه پیدا خواهد کرد. عرض دیگر بنده این است که میگوید بحکم قرعه از ما بین بدست و بکنفر هفت نفر را تعیین کنند. خوب اگر قرعه بهتر است پس چرا خود ما رأی دادیم که انتخاب هیئت نظار انجمن های نظارت و کلاء مجلس به رأی مخفی بعمل آید؟ اگر رأی مخفی فلسفه ندارد پس چرا در مورد

انتخاب هیئت نظار و کلاء مجلس شورای ملی ما این طور قرار دادیم ولی در این جا را قائل بحکم قرعه شده ایم در هر حال اگر رأی مخفی فلسفه دارد در این جا هم باید همینطور باشد. علاوه بر این يك اشخاصیکه بهتر میتوانند وظیفه نظارت خودشان را انجام دهند ممکن است بحکم قرعه معین نشوند. اشخاص متفاوتند. قرعه که چشم و گوش و شعور ندارد. قرعه که نمی تواند اشخاصی را که بهتر می توانند وظیفه شان را انجام دهند شناسند و آنها را معین کند بنا بر این بنده معتقدم که بایستی مثل انتخاب اعضاء انجمن مجلس به رأی مخفی انتخاب شوند.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده موافقم.

مخبر - بنده منظور آقای کازرونی را نفهمیدم چه بود. آیا نظرشان این است که کلیه دعوت بدست و يك نفر و انتخاب عضو اصلی و علی البدل انجمن تمام مطابق قانون انتخابات مجلس شورای ملی باشد؟ یا اینکه فقط قسمت قرعه را حرف داشتند؟ اما اینکه فرمودند این ترتیب خوب نیست. البته باید يك مرکزی و يك شخصی اعضائی را که برای انجمن لازم است دعوت کند. در کمیسیون نظر این بود که اگر چنانچه حکومت يك عده اشخاصی را دعوت کند ممکن است بطور خصوصی يك اشخاصی را انتخاب کنند و يك شکایاتی پیدا شود این بود که آمدند و این حق و اختیار را به انجمن بلدی واگذار کردند. که از معتمدین محلات با آن شرایطی که ذکر شده انتخاب کنند و بدست و بکنفر را به حکومت پیشنهاد کنند و بعد هم انتخاب هفت نفر عضو اصلی و علی البدل هم بحکم قرعه معین شده و همچو بنظر آمد که اینطور جریانش طبیعی تر و ساده تر است. و در بعضی از قسمتها اعمال نظر نمیشود و از لحاظ اعتماد به انجمن بلدی و حسن جریان امر کمیسیون اینطور قرار داد. که بدست و بکنفر را بحکومت پیشنهاد کنند

و حکومت هم آنها را دعوت کند و هفت نفر عضو اصلی و عضو علی البدل هم بحکم قرعه معین شود. منتهی چیزی که هست این است که اگر انجمن بلدی در بعضی نقاط وجود نداشته باشد ممکن است حکومت این مسئله را بموقع اجرا بگذارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

کازرونی - بنده مخالفم. کافی نیست.

رئیس - بفرمائید

کازرونی - ریشه اولی انتخابات انجمن نظارت است حالا در این ماده که راجع است بانجمن نظارت گویا وقت تنگ شده از این جهت آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است.

خوب. اگر میدانید وقت ندارید منافات ندارد ممکن است برای جلسه بعد بگذارید بنده هم عرضی ندارم.

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

کازرونی - و الا بنده استدعا دارم آقایان در اینگونه مسائل دقت فرمایند و اجازه بدهند که بیشتر صحبت شود. آقای مخبر جواب بنده را ندادند فقط گفتند من نفهمیدم کازرونی چه گفت. اما من نفهمیدم چه گفتیم و آقایان هم ملتفت شدند که شما جواب مرا ندادید پس بهتر این است که آقایان مذاکرات را کافی ندانند و اجازه بدهند مذاکره شود.

رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات. آقایانیکه

مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - اکثریت است.

(پیشنهاد آقای ملک مدنی بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میبام اشخاصی که برای نظارت بلدی دعوت میشوند از تمام طبقات مختلفه اصناف و تجار و غیره باشند.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مقصود بنده از این پیشنهاد این بود در موقعی که انجمن نظار بلدی را دعوت می کنند از تمام طبقات باشند زیرا ولین قدمی که برای وکلای بلدی برداشته میشود همان انتخاب اعضاء انجمن است و غالباً هم تجربه شده هر چه که اعمال نفوذ در انتخابات میشود از همین قسمت انجمن است. معتمدین و معریف محل ممکن است يك اشخاصی باشند که بنظر حکومت يك طرز دیگر نباید علاوه در مسئله بلدی اصناف و تجار هم باید شرکت داشته باشند از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که از تمام طبقات و صنوف انتخاب شوند.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای ملک مدنی

آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای زوار

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت (که دارای حق انتخاب شدن باشد) از ماده (۱۵) حذف شود

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم اولاً بنده در این ماده پانزده يك اشکالی می بینم زیرا آن پیشنهادی که آقای مدرس فرمودند مشعر بر اینکه انتخابات انجمن نظارت بلدی انتخابات انجمن مجلس شورای ملی باشد به عقیده بنده اشکال دارد و نمیشود قبول کرد زیرا عده معتمدین که دارای حق انتخاب شدن باشد آن حق انتخاب معلوم نیست که قبول میشود یا نمیشود علاوه يك چیز زیادی است مینویسد (بدست و يك نفر از معتمدین محلات شهر را که دارای حق انتخاب شدن باشند) این قید زیادی است زیرا قبلاً نوشته شده است که به چه شرط باشد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که این عبارت زائد است

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - کان میکنم این عبارت هیچ گنگی نداشته باشد و این پیشنهاد ب مورد است برای اینکه این جا نوشته شده است بیست و یک نفر برای تعیین نظر از بین آنها معین شود. البته باید شرائطی که برای انتخاب شوندگان معین میشود اینجا هم معین شود رئیس - رأی گرفته میشود به این پیشنهاد. آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ترتیب انتخابات انجمن نظار بلدی همان ترتیب انتخاب اعضاء نظار وکیل مجلس شورای ملی باشد.

رئیس - آقای کازرونی

آقا سید یعقوب - ماده ۶۳.

کازرونی - اگر آقای آقا سید یعقوب اجازه میدادند و قدری آب نروی آتشان ریخته میشد خوب بود. رایی که به پیشنهاد آقای ملک مدنی داده شد این بود که نه تنها از طبقه معارف بلکه از تمام طبقات متنوعه معرفی شوند. و این پیشنهاد بنده هم منافاتی با آن مطلب ندارد مطلب این بود که این بیست و یک نفر از معتمدین واز روی معرفی اداره بلدی باشد.

مدرس - انجمن بلدی.

کازرونی - و ایشان يك قدری توسعه دادند و گفتند از تمام طبقات باشد اما پیشنهاد بنده مربوط به این قضیه نیست. غرض بنده این است که اگر چنانچه این بیست و یک نفر به معرفی اداره بلدی شد.

مدرس - انجمن بلدی.

کازرونی - مثل این است که شما قبول کرده اید که وکلای انجمن بلدی از همان اداره بلدی که باید منحل شود یا تغییر کند منتخب شوند و بالاخره اشخاصی باشند

دائر بین دو قسمت است که یا حکومت معرفی کند یا انجمن بلدی خارج از این دو مرحله نیست البته اگر ما انجمن را مدخلیت دهیم و شریک کنیم با حکومت این اصلح خواهد بود تا اینکه اختصاصاً بگوئیم تمام کارها را حکومت بکند....

کازرونی - بچه دلیل؟

حاج شیخ بیات - بدلیل اینکه بیست و یک نفر بهتر از یک نفر است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای کازرونی آقایان

موافقین قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جمله بقرعه تبدیل شود به جمله (به رای مخفی)

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این پیشنهاد بنده توضیح زیادی لازم ندارد آقایان میدانند قرعه برای کار است که قابل حل نیست (القرعة لكل امر مشکل) در اینجا البته بیست و یک نفری را که دعوت میکنند اینها معتمد هستند این را بنده

تصدیق میکنم ولی در نوبت اینها بهتر و بدتر هستند ممکن است قرعه بنام آلهائی اصابت کند که بدتر هستند و بهترها از بین بروند این است که بنده پیشنهاد کرده برای مخفی باشد

مخبر - چون ماده ارجاع بکمیسیون شده تقاضا میکنم

پیشنهادها ارجاع شود بکمیسیون

رئیس - تقاضای ارجاع بکمیسیون میفرمائید؟

مخبر - بلی

رئیس - پیشنهاد دیگر

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ بجای قرعه انتخاب

مخفی نوشته شود (بههائی)

پیشنهاد میکنم هیئت نظار هر محل همان هیئت نظار

انتخاب مجلس شورای ملی بوده باشند فیروز آبادی

رئیس - ماده با پیشنهاد ارجاع میشود بکمیسیون

جلسه را ختم میکنیم دستور جلسه آتی لایحه مستعمری

مدرسین ساوجبلاغ. بعد قانون بلدی

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

راجع با اجازه نامه طبابت

مصوب ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - طبائی که تا کنون موفق باخذ اجازه نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اند میتوانند در مجلس امتحانی که در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات (با عضویت اطباء دیپلمه و اطباء مجاز در طب قدیم) تشکیل خواهد شد امتحان دهند. در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت بآنها داده خواهد شد و فقط در حدودیکه بآنها اجازه داده شده حق طبابت خواهند داشت

ماده دوم - طبائی که از این بعد بر طبق اینقانون اجازه طبابت میگیرند و دیپلم از مدارس طب دولتی داخله و خارجه ندارند حق استعمال کله (دکتر) نخواهند داشت

ماده سوم - وزیر معارف مأمور اجرای اینقانون است

اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی

www.iran-archive.com